

## سرآغاز

مقاله زیر که در رابطه با شرایط واقعی مبارزه و توازن قوای طبقاتی و نیازهای یک انقلاب پیروزمند در مصر است، خیلی به شیوائی و تیز بینی ما را به کنه مسئله که نیاز به داشتن یک حزب سوسیالیستی کارگری می باشد، راهنمایی می کند. جورج مارتین نویسنده مقاله، تا حد مقدور یک نوشته شیوه رسیدن به چنین ارگان سازمانده انقلاب کارگران را نیز بیان می کند. من در اینجا فقط برای تأکید مجدد بر اینکه انقلاب نه تنها در مصر و تونس بلکه در کل کره خاکی امروزه، واقع ان و اساس ان به سازمان یافتن و متشکل شدن و حرکت آگاهانه پرولتاریا، یعنی حزب مارکسی لنینی، نیاز عاجل و فوری دارد، عبارتی از انقلابی بزرگ روس تبار لنین می آورم. لنین یعنی کسی که نفرت اش از بورژوازی تا حدی بود که می نویسند، مرگ لنین را کسی باور نمی کند. سرباز نگهبان یعنی کسی که لنین را بیشتر در پراتیک و نه خواندن کتاب هایش شناخته بود، در گوش لنین نجوائی می کند و می گوید، متأسفانه ما، لنین را از دست دادیم. می پرسند که چرا؟ می گوید که به لنین گفتم " بیدار شو که بورژواها آمده اند. لنین تکان نخورد.

لنین: " انقلاب پیروزمند اجتماعی لاقلاً مستلزم دو پیش شرط می باشد: تکامل نیروهای مولده باید به سطح بالائی رسیده باشد و پرولتاریا به اندازه کافی آماده باشد. ولی در ۱۸۷۱ این دو پیش شرط موجود نبودند. سرمایه داری فرانسه هنوز رشد ناچیزی داشت و فرانسه در آن زمان عمدتاً یک کشور خرده بورژوائی بود (سرزمین پیشه وران، دهقانان و خرده فروشان و غیره). از طرف دیگر یک حزب طبقه کارگر وجود نداشت، آمادگی و تعلیم درازمدت طبقه کارگر - که در مجموع هنوز حتی تجسم روشنی از وظایف خود و راه حل های آن نداشت - موجود نبود. نه یک تشکیلات جدی سیاسی پرولتری وجود داشت و نه اتحادیه های کارگری و سازمانهای تعاونی وسیع ..."

لنین گرامی باد یاد کمون ، ۴۰ سال بعد از شکست و به خون کشیدن کمون پاریس.

باشد که از یاد نبریم که همین بورژوازی که امروزه مدعی دفاع از انقلابیون لیبی است. در سال ۱۹۷۱ فقط در یک هفته یعنی ۱۸ تا ۲۵ مارس، در حدود ۵۰ هزار کارگر را در پاریس به قتل رساند و اعدام کرد و باقی ماندگان را به مستعمرات تبعید نمود تا از شرایط سخت آب و هوایی و کار طاقت فرسا خود بمیرند.

حمید قربانی

۹ فروردین ماه ۱۳۹۰

\*\*\*\*\*

در مصر انقلاب برای پیروزی به چه اتفاقی نیازمند است؟ یا انقلاب پیروزمند مصر از چه مسیری عبور می کند؟

نوشته جورج مارتین

تاریخ انتشار جمعه ۲۵ مارس ۲۰۱۱  
منبع سایت در دفاع از مارکسیسم- انگلیسی

<http://www.marxist.com>

/

روز ۱۹ مارس مصریان با یک اکثریت رأی به امکان تغییرات چندی در قانون اساسی موجود دادند. اما اشتباه خواهد بود که اگر فکر شود با این همه بررسی توده های کارگر و جوانان انقلابی در مصر به پشتیبانی از شورای ارتش رأی داده اند که آنها کشور را با حفظ سیستم سرمایه داری و با تغییرات "ممکنه" و به شکل نرمال اداره نمایند.

بعد از سرنگونی مبارک در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ طبقه حاکمه و امپریالیست ها در حال مانور دادن برای دزدیدن پیروزی های انقلاب از توده های انقلاب کرده هستند. درمقابل یک جنبش میلیونی توده ای با موج های گسترش یابنده از اعتصابات، تسخیر کارخانه جات بوسیله کارگران به پا

خاسته را می بینیم. در چنین شرایطی است که فرماندهی تصمیم گیرنده ارتش دخالت می کند و مبارک را قربانی می کند تا انقلابیون را از سرنگونی کل سیستم مانع شود. این ۶ هفته اخیر با یک طناب کشی بین توده ها (اردوی انقلاب) که خواهان جلو رفتن انقلاب و تغییرات رادیکال هستند از یکطرف و تمام طرفداران رژیم کهن که بوسیله ی شورای ارتش نمایندگی می شوند، و مایلند که از پیشروی انقلاب بوسیله تغییرات ساختگی (آرایشی) جلوگیری کنند، گذشته و مشخص شده است.



### شورای ارتش زیر فشار

تا کنون در این مبارزه، کارگران و جوانان انقلابی چند پیروزی بدست آورده اند. اول اینکه در سوم مارس اعتراض کنندگان موفق شدند که تحت فشار و اجبار نخست وزیر انتصابی آخرین روزهای در قدرت مبارک را وادار به استعفا نمایند. در مقابل تظاهرات توده ها در خیابانها که منجر به برکناری مبارک شد، نمی خواهد تا فروپاشی کل سیستم را عملی نکند، ایست کند. ارتش مجبور شد که اسام شرف را بعنوان نخست وزیر جدید معرفی کند. او یکی از وزیران سابق، وزیر حمل و نقل است که با اعتراض به رشوه خواری ها استعفا داده و در تظاهرات میدان آزادی شرکت نموده است. او شخصیتی است که از توده ها در میدان آزادی در روز ۴ مارس دلجوئی کرد و در مقابل یک میلیون تظاهرکننده که برای جشن پائیزی شفیق جمع شده بودند، قسم به: " وفاداری به پرنسپ های انقلاب جاری را خورد".

این یک پیروزی مهم برای توده هائی بود که بر نیروی خود واقف شده که می توانند با شجاعت به جلو قدم بردارند. همان جمعه شب صدها تن انقلابی در شهر اسکندریه ساختمان سازمان امنیت (SSA) را محاصره و تهدید به تسخیر آن کردند. جنبش با خبر شده بود که نیروهای امنیتی مشغول نابودی اسناد در رابطه با نقش شان در رژیم گذشته، هستند. پلیس

در برابر اعتراض و برای دفاع از ساختمان (مخفی گاه) بسوی انقلابیون تیراندازی می کند که از این طرف جواب کوکتل مولوتوف است. ارتش برای تسخیر نشدن ساختمان بوسیله مردم خشمگین، دخالت نمود و چند پلیس امنیتی را بازداشت کرد.

خبردرگیری بین فعالین انقلابی و نیروهای امنیتی چون موجی آتش را در قاهره و شهرهای دیگر مصر که آنها نیز در حال حمله به ساختمانها و دفاتر سازمان امنیت بودند، پیچید و آتش را شعله ورتر نمود. در قاهره همان ارتش با فعالینی روبرو شد که در حال گرفتن ساختمان وزارت داخله بودند. صحنه های یورش انقلابیون و فعالین به ساختمانها و سلول های آنها را در آنجا زندانی و شکنجه کرده بودند به یک حقیقت انکارناپذیری تبدیل شده است. فعالین موفق به بیرون آوردن اسنادی شدند که حکایت از شکنجه زندانیان سیاسی بوسیله پلیس امنیتی می کند. توده های انقلابی در جلوی چشم طبقه حاکمه، در مقابل دروازه ساختمان های دولتی حاضر و داخل آنها شدند. طبقه حاکمه و مأموران سرکوبگرشان، نمی توانستند کاری انجام دهند، آنها مجبورند که نگاه کنند، مأمور بدهند و عقب نشینی نمایند. سرانجام دولت جدید مانند تونس، خود را مجبور دید که اعلام انحلال پلیس مخفی را نماید.

فرماندهی ارتش نقش خیلی مهمی در جریان انقلاب، تاکنون بازی کرده است. ارتش موفق شده و در میان توده ها امکانات عظیم بدست آورده است. زیرا که آنها موفق شدند که وانمود نمایند که به پشتیبانی از کارگران و زحمتکشان مبارک را برکنار کردند. حقیقت مسئله اما، این بود که فرماندهی ارتش دست به این کار زد، چون می دانست که صفوف ارتش در حال تجزیه به اجزای طبقاتی خویش است. با این وجود، توده ها تا آنجا به ارتش ایمان آوردند که خیال می کنند که ارتش در طرف آنها است. تظاهرات ضد احمد شفیق و گرفتن مقر های نیروهای امنیتی با استعفا شفیق و انحلال پلیس مخفی به اتمام نرسیده است. کارگران، زحمتکشان و جوانان انقلابی با شهامت و با چشمانی باز منتظر هستند که ببینند شورای فرماندهی ارتش دست به چه رفورم هایی می زند. به نظر می رسد که بدون اجرای رفورم های درخواست شده، طبقه کارگر و توده های انقلابی (جوانان و بیکاران) می توانند که خود مستقیم دخالت و با دستان توانای خود و با اقدامات همه جانبه و بدرجات مقتضی دست زده، پیروزی را کسب کرده و به خواست های خود جامه عمل

بپوشانند. خواست های مردم عبارتند از گسترده ترین آزادی های بیحد مرز، حقوق دموکراتیک و همچنین پایان دادن به نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی.

دانشجویان تسخیر کننده دانشگاهها درخواست دارند که رؤسای برگزیده مبارک برکنار شوند، کارگران اعتصاب کننده شروع به تشکیل و سازمان دادن کمیته ها و اتحادیه های مبارز و دموکراتیک کرده اند. انقلاب موفق به بسیج موجی شده است که ارتش با راحتی نه توان سرکوب آنرا دارد و نه قادر به پاسخگوئی به نیارهای آن است. روزهای بعد از سرنگونی مبارک ارتش کارگران اعتصاب کننده را تهدید کرد و اما تهدیدات مؤثر واقع نشد و ارتش نیز قادر به اجرای آنها نشد.

### **خفقان و فتنه انگیزی**

ارتش مصر یک قسمت مهم از رژیم مبارک بوده و همچنان نقش مهم و اکتور مؤثری در دولت کنونی مصر است. اجازه بدهید که فراموش نکنیم که **فیلد مارشال تانتاوی** بالاترین مقام شورای حاکمه ارتش به مدت ۲۰ سال وزیر دفاع مبارک بوده است. ارتش وظیفه دارد و باید نظم "معمولی" کاپیتالیستی را دو باره مستقر کند و برای رسیدن به این هدف است که وظیفه امروزه (شورای حاکمه) را بر عهده گرفته است. اما، اولین فتنه انگیزی بر علیه زنان تظاهر کننده، در هشت مارس در میدان آزادی بود، در آن جا، آن ها دست به شایعه زده و زنان را بوسیله تیم های اجیر شده و لمپن مورد اذیت و آزار، ضرب و شتم، توهین و تحقیر قرار دادند با این هدف که به تظاهرات آنها پایان دهند. روز بعد، ۹ مارس ارتش با تیم های جانی لباس شخصی اجیر شده به زنان و پشتیبانان شان که به اعمال شنیع روز قبل آنها اعتراض داشتند، حمله کردند. ضرب و شتم بی اندازه بود و صدها تظاهر کننده را دستگیر نمودند. آنها را به ساختمان موزه که در نزدیکی میدان واقع بود، بردند و در آنجا، دستگیر شدگان را مورد شکنجه و ضرب و شتم قرار داده و به آنها تجاوز جنسی کردند.

همزمان طبقه حاکمه با کارت مذهب بازی می کند و دعوای بین سکت های مذهبی به راه می اندازد تا مردم را از یکدیگر جدا و نسبت به یکدیگر بدبین کند. با این اعمال زشت می خواهند، توجه را از مسائل

اجتماعی و مشکلات اقتصادی توده های فقر زده به سوی جنگ مذاهب برگردانند. اسنادی که بوسیله انقلابیون از مقرهای سازمان امنیت (SSA) بدست آمده اند، نشان از حمله پلیس مخفی به یک کلیسای قبطی در شب اول ژانویه امسال دارد. در این یورش ۲۳ نفر کشته و دهها نفر نیز زخمی شدند. بدون هیچگونه تردیدی می توان دست های پلیس مخفی را در برنامه ریزی و اجرای حمله به یک کلیسای قبطی در هلوآن در آغاز ماه مارس امسال در کار دانست. اما در مقابل انقلابیون بیکار ننشسته و زیباترین عمل را به منصفه ظهور رساندند. آنها موفق شدند و تظاهرات توده ای متشکل از مسلمانان و مسیحیان را در ماههای ژانویه و فوریه در قاهره ترتیب دادند. به این وسیله این حيله گری و فتنه انگیزی نفرت آور را بی اثر نمودند.

شورای ارتشی اما، باید هر چه زودتر به خود "مشروعیت دموکراتیک" بدهد. این است مفهوم تغییرات جدید قانون اساسی که هدف برگزاری انتخابات در آینده هرچه زودتر ممکنه را در بر دارد. در چنین شرایطی احزاب رسمیت یافته موجود یعنی احزاب طرفدار نظم پوسیده و کهنه امتیاز خواهند داشت. در حقیقت تمام پروسه تدوین و ارائه سند مزبور غیر دموکراتیک بود. شورای ارتش یک کمیسیون ( بدون حضور نمایندگان زنان مترجم) از "محققین" را برای تدوین سند قانون اساسی برگزید. کمیسیون با تغییرات جزئی در قانون اساسی قدیمی سندی را ارائه داد. شورای ارتشی در ضمن تهدید کرد که اگر سند نوشته شده بوسیله کمیسیون پذیرفته نشود، خود ارتش قانون اساسی موقتی را تدوین و آنرا تا انتخاب یک دولت جدید مورد استفاده قرار خواهد داد.

با این شرایط و باز هم، سازمان اخوان المسلمین با دولت جدید ( شورای ارتش) شروع به همکاری می کند. و اما، تمام سازمانهای انقلابی که تا این جا نقش اصلی را در جریان انقلاب داشته اند، در این بازی شرکت نکردند و برای یک رأی نه، تبلیغات نمودند. در هر صورت ارتش با استفاده از همکاری حزب مسلمان اخوان المسلمین موفق به تصویب قانون اساسی جدید گردید. این سازمان مسلمان از همه امکانات خود مانند اماکن مذهبی و رهبران مذهبی در این مورد استفاده کرد و با انرژی تمام دست به تبلیغات زد و حتا رأی آری دادن را یک وظیفه دینی اعلام کرد.

[http://www.youtube.com/watch?v=frWR71gwnQE&feature=player\\_embedded](http://www.youtube.com/watch?v=frWR71gwnQE&feature=player_embedded)

این ویدئو اخوان المسلمین را در همکاری با دولت نشان می دهد

نقش حزب اخوان المسلمین که در زمان مبارک یک اپوزیسیون وفادار بود، در پشتیبانی از استقرار رژیم کهن، ولی با نام دیگر را باید خیلی تعیین کننده دانست و آنرا مهم تلقی نمود. الیا زروان می گوید: " مدارکی وجود دارند که همکاری و کنترات اخوان المسلمین با ارتش را قبل از سرنگونی مبارک نشان می دهند. " گروه آنالیز کننده بحران می نویسد: " این قاعده است که اگر شما ارتشی و مایل به استقرار نظم هستید، مایل باشید که هرچه زودتر مردم از خیابانها جمع شوند. اخوان المسلمین آدرسی است که می توانید به این آدرس مراجعه کرده و صد هزار انسان را از خیابان جمع نمائی."

برای نشان دادن این معامله کثیف دلائل روشن و قانع کننده ای موجود است. هنگامی که نخست وزیر جدید، اسام شرف، در میدان آزادی سر و کله اش پیدا شد. از طرف محمد البرادعی و رهبر اخوان مورد تشویق قرار گرفته و پهلو به پهلو ی یکدیگر راه می رفتند. اخوان یکی از گروههای شرکت کننده برای تدوین قانون اساسی جدید بود. این اتحاد دو فاکتو بین حزب قدیمی مبارک (NDP) حزب دموکراتیک ملی مصر، شورای فرماندهان ارتش و اخوان المسلمین اصلن باعث تعجب نیست. اسنادی که بوسیله انقلابیون از مقرهای پلیس مخفی بدست آمده است، به روشنی افشاء می کند که چگونه رهبران این حزب با دولت حسنی مبارک برای شرکت در انتخابات و داشتن چند صندلی در پارلمان قلبی، توطئه می چیدند.

اخوان المسلمین مایل به راه افتادن انقلاب نبود. آنها فراخوانی برای شروع آن ندادند، زمانی که انقلاب راه افتاد، آنها خیلی محتاطانه در آن شرکت کردند تا مقر پشتیبانی خود را از دست ندهند. الآن انقلاب اتفاق افتاده است آنها با جدیت کوشش می کنند تا آن اندازه از قدرت سیاسی را به چنگ آورند که آنها را قادر به تأمین منافع تجاری که در رهبری سازمان هستند، نماید. در حقیقت اما، بی شرمی آن جا است که گروههای باصطلاح انقلابی و چپ، حتا سازمانهایی که خویش را مارکسیست می

خوانند با اخوان المسلمین همکاری می کنند و در میان فقرا، اپوزیسیون و " آنتی امپریالیست ها" تولید توهم کرده و برای آنها همکار جمع می کنند.

حتا سیاستمداران بورژوازی مانند **عمر موسی و البرادعی** که در جریان تدوین قانون اساسی جدید، خود را مخالف نشان دادند، هیچ کدام برای عدم دموکراسی ناراحت نبودند. مخالفت و ناراحتی آنها از این بود که تاریخ تعیین شده برای انتخابات آینده، تا آنجا نزدیک است که آنها قادر به گسترش حزب و تکمیل آپارات سازمانی شان نیستند. آنها از بازنده شدن هراس مرگ دارند.

### نتیجه همه پرسی

از ۱۸ میلیون شرکت کننده تعداد ۱۴ میلیون آری و ۴/۱ میلیون رای نه دادند. به درصد چنین است ۷۷٪ در مقابل ۲۲٪ بوده است. اما این نتایج تمام حقیقت را نمی گوید. برای رأی دادن دلایل مختلفی وجود داشت. برای خیلی از مردم این شرکت در حقیقت اولین شرکت در انتخاباتی بود که آنها در یک همه پرسی عمومی دموکراتیک، شرکت می کردند. برای همین بود که تعداد شرکت کنندگان در این همه پرسی نسبت به همه پرسی های مسخره سابق (۴۰٪) در مقابل همه پرسی سال قبل (۱۰٪) خیلی بیشتر بود. برخی فکر می کنند که این تغییرات در قانون اساسی خیلی بهتر از این هست که خود ارتش نقش تدوین کننده قانون اساسی جدید را بعهده بگیرد. برای ایجاد جو فریب و تحمیق، پست ها و پوزسیون های ترسناک مانند رئیس جمهوری، مدت ریاست جمهوری و اختیاراتش را کم کرده و به زمانهای ویژه نسبت داده اند. برای برخی دیگر، شرکت در چنین انتخاباتی خارج کردن قدرت سیاسی از دست ارتشیان معنی داشت. هم چنین این اعتقاد نیز در میان خیلی از مردم نسبت به ارتش موجود است که آنها "مبارک را برای جلوگیری کردن از ایجاد حمام خون برکنار کرده اند".

با وجود این در شهرهایی که انقلاب از آن جا ها سرچشمه گرفت و از نظر ملی مهم اند، تعداد زیادی یا شرکت نکرده و یا بر ضد تغییرات قانون اساسی رأی دادند. مثلن در قاهره ۴۰٪ در صد از شرکت خودداری نمود و این رقم برای شهر اسکندریه ۳۲٪ درصد از جمعیت می رسد و در هیچ کدام از شهرهای صنعتی بیشتر از معدل ملی شرکت نکردند.



در پشت این نتایج اما، شورای ارتش کوشش نمود که دو باره تظاهر کنندگان را در کل و اعتصاب کنندگان را بویژه با تصویب و صدور فرامین قانونی جلوی چشم عموم بیاورد. بر طبق پیشنهاد فرمان قانونی که در ۲۳ مارس اعلام شده است به نوشته روزنامه الاهرام (اعتصابات، تظاهرات، اعتراض، تحصن و بلوکه کردنی که باعث قطع فعالیت شرکت های عمومی و خصوصی که در اقتصاد کشور به شکل و شیوه ای تأثیر داشته باشد، جنائی نموده و جرم قلمداد کرده است. همچنین در این پیشنهاد فرمان قانونی برای کسانی که چنین اقداماتی را تشویق کنند، اشد مجازات یعنی محکومیت به یک سال زندان و پرداخت جریمه نقدی تا نیم میلیون پوند، در نظر گرفته شده است.

### انقلاب هنوز ادامه دارد

اما کسانی که اعتقاد داشته باشند که در مصر یک انقلاب دست راستی (Kontrarevolution) به وقوع پیوسته است، دچار اشتباه هستند. کارگران، دانشجویان، آن فقرا، اخیران در انقلابی شرکت داشته اند که مبارک منفور را سرنگون کردند. آنها بدون یک مبارزه همه جانبه اجازه نمی دهند که حقوق آنها را دو باره و تحت نام دیگری از بین ببرند، نه! روزنامه الاهرام از قول یک کارگر ترانسپورت به نام **علی فتوح** می نویسد: "مصر اکنون یک کشور آزاد شده، است. هیچ قانونی نمی تواند ما را تحت فشار بگذارد. آن قانون به دور انداخته می شود. این بار اما، نه بوسیله یک پارلمان کج و کوله، بلکه در میدان آزادی. آنها باید این را بفهمند و درک کنند که در این جا با ما طرف هستند". همان روزی که این فرمان صادر و اعلام شد، صدها کارگر ترانسپورت در سندیکای مطبوعات گرد آمدند و ایجاد اتحادیه عمومی کارگران حمل و نقل را اعلام نمودند.

این یکی از صدها نمونه از اعتماد به نفس طبقه کارگر در مصر می باشد. فروشندگان نیروی کار در انقلاب تا کنون نقش مهمی داشته اند و می روند که اکنون با سازماندهی خویش و انقلاب، آنرا ادامه دهند. آنها با اعتصاب کارگران نفت نیروی خود را نشان دادند. نفتگران سه روز اعتصاب کردند و به تمام خواست هایشان از جمله برکناری وزیر بود،

رسیدند. این توازن طبقاتی واقعی را در جامعه امروزی مصر نشان می دهد.

ضعف طبقه کارگر مصر در این واقعیت نهفته است که هنوز از داشتن صدای سیاسی و رهبری انقلابی، رهبری ای که بتواند نیروی طبقه و متحدین آنرا جمع و متمرکز نماید، محروم است. یک کمپین مبارزاتی برای ایجاد یک حزب دموکراتیک کارگری راه انداخته شده است. این کمپین بوسیله کارگران ترانسپورت اعلام شده و خود آنها یکی از نیروهای مهم پیش برنده آن هستند. بدون در نظر گرفتن عدم یک برنامه برای ایجاد چنین حزبی، اما واقعیت مهم این است که کارگران به این آگاهی رسیده اند که آنها باید بوسیله حزب شان در انقلاب شرکت کنند. هم چنانکه مارکس گفت: "یک قدم واقعی برای جلو بردن جنبش واقعی مهمتر از یک دوجین برنامه است" (۱). کارگران با تجربه گرفتن از مبارزه شان برای حقوق و شرایط کاری بهتر، برای حقوق دموکراتیک، برای مذاکرات دسته جمعی، بر علیه سرکوب پلیسی و غیره آگاه می گردند و به نیروی خویش بعنوان یک طبقه کاملن متفاوت با طبقات دیگر موجود بیش از پیش باور می آورند و نیاز به سازمان را در عمل روزمره خویش احساس نموده و آنرا سازمان می دهند. یک احساس از اتحاد و خوشحالی هست که در آینده ضربه های افتراق در جنبش انقلابی موجود را هم به کارگران و هم متحدین شان نشان داده و آنرا رفع می کند. طبقه کارگر مصر بیش از هر زمان دیگری و برای پیروزی اش به حزب انقلاب نیازمند است.

شرایط مصر مانند شرایط روسیه بعد از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ است. توده ها تزار را سرنگون نموده اند اما قدرت سیاسی بوسیله احزاب رفورمیست قبضه شده و به یک دولت موقت انتقال یافته است که در رهبری آن شاهزاده L VOV قرار دارد. حکومت عبارت است از سلطنت طلبان دموکرات و اکابریست ها، که اپوزیسیون رسمی و قانونی تزار بودند. انقلابیون واقعی، بلشویک ها خویش را در اقلیت مفرط می بینند. وحتا در میان رهبری چنین حزبی در مورد چگونگی جلو بردن انقلاب یک گنجی مفرط موجود است. یک رهبری که اکثریت آن خواهان تسلیم شدن به دولت موقت است.

بوسیله تجربه خویش توده های روسیه در می یابند که دولت موقت از برآوردن درخواست های آنها که در جریان انقلاب مطرح کرده بودند که مهمترین آنها "نان، زمین و صلح" است، عاجز است. در واقعیت؛ اما، دولت موقت حتا از برقراری یک دموکراسی واقعی که قرار بود بوسیله فراخواندن یک مجلس اساسی باشد، ناتوان بود. بین پرئود زمانی فوریه ۱۹۱۷ تا اکتبر ۱۹۱۷ بلشویک ها موافق می شوند با یک تشریح واقعی بیماری موجود و ترویج و تبلیغ بیباکانه در خواست های انقلاب، توده ها و بویژه کارگران را به طرف خود جلب نموده و از اقلیت مفرط به اکثریت قابل ملاحظه تبدیل گشته و بر نیروهای دولت موقت پیروز شده و قدرت سیاسی را (بوسیله شوراهای کارگران- سربازان مترجم) بگیرند.

در مصر کنونی درست مانند روسیه ۱۹۱۷، اساس ان رسیدن توده های کارگر و زحمتکش، جوانان انقلابی به خواسته هایشان یعنی حقوق کامل دموکراتیک، یک حداقل حقوق و مزایای مکفی برای یک زندگی انسانی، شغل، مسکن، زمین و آزادی فقط زمانی قابل دست رسی اند که کل رژیم کهن را باتمام دم و دستگاه اش و از ریشه سرنگون کنند و نه فقط مبارک را با یک عده سیاستمدار دیگر بورژوازی جانشین نمایند. کمبود واقعی در مصر داشتن یک رهبری انقلابی است که بلشویک ها با ریشه های واقعی در کارخانه ها و در طبقه کارگر آنرا ایجاد کردند. سوسیالیست های انقلابی، کارگران سوسیالیستی که بیش از همه به حرکت طبقه برای لغو شرایط موجود اجتماعی باور دارند، درمصر همان وظیفه را دارند که بلشویک های روسی در ۱۹۱۷ داشتند. آنها این رهبری را فقط با تشریح کردن صبورانه واقعیات مبارزه طبقاتی واقعی برای طبقه کارگر و جوانان انقلابی قادر به ایجادش هستند. باید دانست، شیوه رسیدن به این خواست ها، فقط در دست گرفتن قدرت سیاسی بوسیله طبقه کارگر است.

برگردان به فارسی

۷ فرودین ۱۳۹۰

(۱) هر چند که مارکس این عبارت در رابطه و نقد برنامه حزبی لاسالی نوشت و پیشنهاد اش نیز به رفقا یش نه تشکیل حزب بدون برنامه و پلانقرم، بلکه یک وحدت عمل بود. (نقد برنامه گوتا، کارل مارکس)-  
مترجم

ما بعدالتحریر: انقلاب در یمن با قدرت در کار است که تا دنیای نوین  
بیآفریند. دنیای انسانها نوین، دنیای آزادی و انسان فارغ از درد نان  
مسکن و کار، دنیائی که در آن هر انسان برای انسان دیگر برادری است  
و قفل در آن افسانه ای است (شاملو افق روشن)، حیفم آمد که شما را از  
خواندن مطلبی در این رابطه و شنیدن ترانه سرودی به دو زبان عربی  
و انگلیسی محروم کنم، باشد که این نظم انسانکش با انقلاب کارگران و  
زحمتکشان اسقاط شده و انسان از نا انسانیت نجات...!  
به زبان اصلی ترانه

<http://www.roshangari.net/as/sitedata/20110325124821/20110325124821.html>

انگلیسی

<http://www.roshangari.net/as/ds.cgi?art=20110326001536.html>